



دفتر وساحت پژوهش



درگفت و گو با

حجة الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

اشاره

رهبر انقلاب دفتر تبلیغات را نماد روشن فکری خوانده‌اند. دفتر تبلیغات اسلامی امروز شامل مجموعه‌های مختلفی است؛ معاونت فرهنگی تبلیغی که به اعزام مبلغ در مناسبت‌های مختلف همت می‌گمارد، معاونت آموزش شامل دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) و دو مؤسسه آموزش عالی حوزوی، معاونت پژوهش با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قطب‌های فکری فرهنگی، مرکز فرهنگی هنری، مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، صندوق قرض الحسنه و مؤسساتی مانند بوستان کتاب که در زمینه نشر کتاب فعالیت می‌کند. وقتی رهبری دفتر تبلیغات را نماد روشن فکری می‌خوانند بیشتر ناظر به کدام‌یک از این بخش‌ها و مجموعه‌ها این نهاد انقلابی را نماد روشن فکری می‌شمارند؟ شاید بگوییم ایشان دفتر تبلیغات را به‌عنوان یک مجموعه نماد روشن فکری می‌دانند و التفات ایشان به کلی مجموعه است؛ مجموعه مناسباتی که میان معاونت آموزش در تربیت پژوهش‌گر و استاد و معاونت پژوهش در سفارش پژوهش و ارجاع آن به مرکز پاسخ‌گویی به سؤالات و خروجی گرفتن از آن در بوستان کتاب یا مجلات پژوهشگاه و دفتر. اما آیا این مناسبات وجود دارد؟ گفت‌وگو با حجة الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک‌زایی در راستای این موضوع و پرسش بود.

می‌پندارند به درد الآن هم می‌خورد. دغدغه‌ای که رهبری دارند این است که برای این مسئله و این گسست راه حل پیدا کنیم و چاره بجوییم. به نظر می‌رسد ایشان تا حدودی درباره دفتر تبلیغات به چنین نکته‌ای رسیده‌اند که آن را نماد روشن فکری حوزه می‌خوانند.

● **حوزه:** امروزه وقتی از پژوهش می‌گویند تا مسئله و ضرورتش طرح نشود پژوهش سرنمی‌گیرد. دفتر تبلیغات و پژوهشگاه برای پاسخ به چه مسائل و چه ضرورت‌هایی پایه‌گذار شده است؟

□ دفتر تبلیغات نهادی بوده که از آغاز تأسیسش می‌خواست به نیازهای عینی روز پاسخ دهد. اولین نیاز، نیاز به مبلغ بوده است. بعد از انقلاب اسلامی از امام مبلغ می‌خواستند و امام کسانی را منصوب می‌کند به این کار که نیازهای تبلیغی را پاسخ دهند. بعد به مرور این گسترش پیدا می‌کند. مسئولانی که امام آن‌ها را به کار می‌گمارند می‌بینند کسانی را که برای تبلیغ می‌فرستند، نمی‌توانند به خوبی از عهده نیاز مخاطب بریبایند و نیازهای

دینی و معرفتی مردم را مطابق با روز نمی‌توانند پاسخ دهند. فکر می‌کنند که این‌ها را باید آموزش هم بدهند. لذا بخش آموزش دفتر تبلیغات هم راه می‌افتد تا این مبلغان را آموزش‌هایی بدهند و از عهده نیازهای روز آن‌ها به لحاظ

دغدغه‌ای که رهبری دارند این است که برای این مسئله و این گسست راه حل پیدا کنیم و چاره بجوییم. به نظر می‌رسد ایشان تا حدودی درباره دفتر تبلیغات به چنین نکته‌ای رسیده‌اند که آن را نماد روشن فکری حوزه می‌خوانند.

● **حوزه:** امروز در حوزه علمیه تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای در حال رقم خوردن است. با وجود این، رهبری انقلاب دفتر تبلیغات را در این میان نماد روشن فکری حوزه می‌شمارند. از نظر شما علت این که رهبری انقلاب دفتر تبلیغات را نماد روشن فکری حوزه خوانده‌اند توجه ایشان به کدام بُعد عملکرد دفتر تبلیغات بوده است و چه ویژگی دفتر سبب شده ایشان دفتر را چنین بدانند؟

□ ما دو مدل پژوهش داریم: پژوهش‌هایی که یک مجهول نظری را می‌خواهند تعیین تکلیف کند و دیگر یکسری پژوهش‌ها که می‌خواهند معضلی را حل کنند، یعنی طرح بحث برای آن‌ها از ساحت نیازهای عینی صورت می‌پذیرد. گسستی که الآن وجود دارد بین حوزه و حکومت یا جامعه این است که عمده مباحث حوزه در بخش اول قرار می‌گیرد، یعنی آن‌ها یکسری مباحث نظری را طبق عادت مألوف و دیرینه مطرح می‌کنند و همان را پاسخ می‌دهند. مشکلی مضاعف هم اینجا به وجود آمده است که خود این‌ها هم باز قدیمی شده است. بدتر این که

در بخش اجتماعی هم همین اتفاق دارد باز تولید می‌شود، یعنی در همان بخش دوم هم که باید معضلات اجتماعی پرداخته شود و برای آن راه حل ارائه شود باز بر اساس همان متونی که در همان دوره‌ها تولید شده همان‌ها را تکرار می‌کنند و

دینی و معرفتی برپایند. بعد متوجه می‌شوند که با آموزش هم این خلأ برطرف نمی‌شود و آن جاست که رو به پژوهش می‌آورند. آن‌گاه بخش پژوهش را ایجاد می‌کنند تا بتواند نیازهای معرفتی در حوزه دین را بشناسد و پاسخ دهد. برای همین اولین تلاش‌هایی که در بخش تحقیقات دفتر صورت می‌گیرد، تلاش‌های حدیثی و قرآنی است که شروع می‌شود. چون معتقد بودند باید نیازهای روز را با بهره‌گیری از قرآن و حدیث جواب دهند. بعد اندیشیدند که بزرگ‌ترین کتاب حدیثی ما بحارالأنوار است و اگر این احادیث و آیات را طبقه‌بندی و موضوع‌بندی کنند و این‌ها را در اختیار نخبگان دینی قرار دهند دیگر قصه حل می‌شود و دیگر می‌توانند نیازها را جواب دهند. لذا معجم بحارالأنوار را تهیه کردند که در آن زمان کار خیلی سنگین و طاقت‌فرسایی بود؛ وقتی که هیچ کامپیوتری نبود و همه فیش‌برداری‌ها دستی انجام می‌شد. اما وقتی که معجم بحارالأنوار ارائه شد دیدند که اتفاقی نیفتاده است. آن‌گاه دست به کار شدند و فرهنگ قرآن را کار کردند. معنای فرهنگ قرآن این است که هر موضوعی که از آیات قابل استخراج باشد به شکل الفبایی تنظیم شود. این فرهنگ قرآن در سه جلد چاپ شده است. این خیلی از نیازها را جواب می‌داد اما امروز نیازهای مسائلی را که جمهوری اسلامی با آن درگیر است جواب نمی‌دهد، ولی ممکن است نیاز یک خطیب جمعه و یک بحث قرآنی را برطرف کند. چون

او برحسب کلیدواژه‌ای که دنبالش است و مثلاً می‌خواهد درباره حسد سخنرانی کند یا باید درباره انفاق صحبت کند می‌بیند صد آیه برایش به شکل موضوعی ذیل این عنوان استخراج شده اما نیاز جمهوری اسلامی هم چنان تأمین نشده است؛ جمهوری اسلامی نمی‌خواهد فقط درباره انفاق بداند، بلکه باید نظام اقتصادی را سامان‌دهی کند. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد فقط درباره حسد بداند بلکه باید نظام اخلاقی جامعه را سامان‌دهی کند. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد بداند مثلاً چند آیه درباره حکومت در قرآن هست، بلکه باید نظام سیاسی جامعه را چه در عرصه سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست خارجی سامان‌دهی کند. این است که این پژوهش مدام گسترده‌تر می‌شود. یعنی می‌گویند برویم به سمتی که این سؤال‌ها را پاسخ دهیم. برویم مثلاً در حوزه مباحث اخلاقی به شکل جدی‌تر وارد شویم. لذا غیر از بخش قرآنی کم‌کم بخش‌های دیگر هم راه افتاد. بخش اخلاق معنویت، بخش علوم و اندیشه سیاسی، بخش تاریخ و سیره اهل بیت که ما اگر فقط احادیث معصومان را دسته‌بندی کنیم مشکل حل نمی‌شود؛ ما نیاز به الگوهای رفتاری معصومان هم داریم که ببینیم چطور عمل می‌کردند. به شکل سیره‌ای یعنی آن سبک‌ها استخراج شود و دریافت شود.

● حوزه: ولی امروز اگر به مجموعه پژوهش‌ها و تحقیقات و مقالات دفتر نگاه

تا امروز دفتر تبلیغات موفق شده در بخش پژوهش نقشه ده مدل از علوم اسلامی را ارائه دهد که آخرینش فقه است، یعنی الآن ما در فقه می‌دانیم چه داریم و این‌ها چه شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند

گزارش طبق روش‌هایی که امروز در دنیا مرسوم است، در قالبی به نام نقشه هر علم باید ارائه شود. شما یک ساختمانی دارید و می‌خواهید به این ساختمان دست بزنید و مثلاً یک طبقه به طبقاتش اضافه کنید. می‌خواهید یک قسمتش را بازسازی کنید. اول به دنبال نقشه این ساختمان می‌روید. می‌گویید من الآن نمی‌دانم می‌شود به این یک طبقه اضافه کرد یا نه. زیرساختش چیست؟ اگر نقشه نداشته باشید، باید یک مهندس استخدام کنید که یک نقشه برای شما تهیه کند که این نقشه وجوه مختلف نیازهای شما را پاسخ دهد. مثلاً آیا این ساختمان در برابر زلزله مقاوم است؟ آیا تحمل بار یک طبقه دیگر را دارد؟ ما با یک علوم اسلامی مواجه بودیم و دقیقاً نمی‌دانستیم این‌ها چقدر دوام دارند و ویژگی‌هایشان چیست و می‌شود طبقات جدید را روی این‌ها ساخت. آیا با این امکانات می‌توان یک نظام اقتصادی یا سیاسی یا تربیتی یا امنیتی یا فرهنگی متناسب با شرایط روز بنا کرد؟ یا آن که باید رفت سراغ همان علوم انسانی که

کنیم می‌بینیم دامنه پژوهش‌ها گسترده‌تر و محض‌تر شده است؟

□ بله، متصدیان دفتر به مرور متوجه شدند اصلاً مشکل بیشتر از این حرف‌هاست. مشکل این است که وقتی می‌خواهیم سامانه‌ای نظام‌مند را ارائه کنیم بر بستر چه دانش و روشی می‌توانیم آن را برقرار کنیم؟ بر بستر فقه یا فلسفه یا کلام؟ اصلاً علوم اسلامی ما چیست؟ ما سامانه علوم اسلامی داریم یا نه؟ نسبتش با علوم انسانی چیست؟ به مرور مقداری بحث‌ها معرفتی‌تر و جدی‌تر شد. دفتر تبلیغات برای اولین بار تجارب جهانی را به خدمت گرفت تا بررسی کند ببیند اصلاً علوم اسلامی داریم یا نه. اگر داریم موجودی مان چیست؟

● حوزه: علوم اسلامی فرضیه انگاشته شد یا مسلم؟

□ مسلم انگاشته شد. در واقع مفروضشان این بود. منتها مشکل‌شان این بود که اگر داریم، چگونه می‌توان آن را گزارش داد. این

باید نظام سیاسی جامعه را چه در عرصه سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست خارجی سامان دهی کند. این است که این پژوهش مدام گسترده‌تر می‌شود. یعنی می‌گوید برویم به سمتی که این سؤال‌ها را پاسخ دهیم.

علوم وارداتی به جامعه ماست و از تجارب بشری در این حوزه‌ها استفاده کرد؟

● **حوزه:** خب به چه دستاوردی رسیدید؟

□ تا امروز دفتر تبلیغات موفق شده در بخش پژوهش نقشه ده مدل از علوم اسلامی را ارائه دهد که آخرینش فقه است، یعنی الآن ما در فقه می‌دانیم چه داریم و این‌ها چه شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند و در قالب پایگاهی اطلاعاتی هم ارائه شده است که همه دنیا به آن دست‌رسی دارند، یعنی همه این ده رشته در این سامانه وجود دارد و این مرتب به روز می‌شود. اگر کسی به فرض در دانش فقه البته یک اصطلاح اضافه کند، می‌شود فهمید که یک اصطلاح به این اضافه کرده، یا آن که بحث‌های قبلی را تکرار کرده است. در این سامانه گفته شده کل فقه در قالب شصت هزار اصطلاح مثلاً سامان‌دهی شده است. این‌ها مورد استقرایی دارد نه قیاسی، یعنی همه منابع فقه موجود، در این قالب‌های علمی تنظیم شده است و در نظامی طولی، عرضی و عمقی بحث‌هایش تنظیم شده و معلوم شده است که شبکه دانش موجود ما در دانش فقه چیست. اگر یک بحث مطرح می‌شود، می‌توانید خیلی راحت این بخش خدماتی زیرساختی معرفتی‌اش را این‌جا و در این سامانه به شکل آنلاین بگیرید. مثال می‌زنم: شما می‌خواهید وارد بحث امنیت شوید و بگویید جمهوری اسلامی در حوزه مباحث امنیتی به لحاظ دینی چه باید بکند. شما در این سامانه

می‌بینید که در حوزه امنیت در علوم اسلامی چه بحث‌هایی مطرح شده است. این سامانه این‌ها را در اختیار شما قرار می‌دهد، یعنی به شما می‌گوید کلیدواژه‌های مرتبط با این بحث در علوم مختلف در فلسفه و کلام و فقه و اخلاق در حوزه‌های مختلف چه بوده است. خود این سامانه به شکل هوشمند گراف‌های لازم را برای شما تنظیم می‌کند. ارتباط این مباحث با هم را به شما ارائه می‌دهد. اگر قواعدی در بحث هست، می‌آورد. بحث جنگ و جهاد و صلح را هم می‌آورد و در اختیار پژوهش‌گر یا مرکز پژوهشی قرار می‌دهد. مشکلی که وجود دارد این است که ما هنوز آن قدر به لحاظ دانشی در فضای رسمی دانش پیشرفت نکرده‌ایم که کسی که می‌رود در کلاس بحث می‌کند و آموزش می‌بیند یا آن کسی که آموزش می‌دهد دانش لازم را برای بهره‌گیری از چنین سامانه‌ای را داشته باشد. چنین چیزی را الآن خیلی ضعف داریم، یعنی شما این سامانه را تولید کرده‌اید ولی آیا آن استادی که می‌رود درس فقه می‌دهد از این سامانه استفاده می‌کند؟ این خودش دانش دیگری است، یعنی آیا اصلاً این کاری که شما کرده‌اید تصور می‌شود؟ الآن مشکل ما این است که این کار اصلاً تصورش سخت است، یعنی شما می‌گویید ما چنین سامانه‌ای را با سی سال کاری جمعی آماده کرده‌ایم اما اکنون این سامانه را اروپایی‌ها بهتر از ما می‌فهمند. در اجلاس بین‌المللی جامعه اطلاعاتی، این سامانه به عنوان

در این باره اولین کاری که دفتر تبلیغات می‌کند این است که اول باید موضوع را درست تصور کنیم. اصلاً امروز سیاست یعنی چه. این است که آموزش علوم سیاسی راه می‌اندازد. بعد می‌گوید با چه هدفی می‌خواهیم این کار را انجام دهیم. اگر می‌خواهیم کسانی یا طلبه‌هایی را تربیت کنیم که

بتوانند در حوزه علوم سیاسی نظریه‌پردازی کنند، باید راهی طولانی برایشان طراحی کرد. اول باید این‌ها بفهمند که در دنیای امروز، سیاست یعنی چه. این است که از میان طلاب کسانی را برای آموزش علوم سیاسی گزینش می‌کنند. اینها باید زبان انگلیسی را هم خوب یاد بگیرند تا بتوانند متون اصلی را هم بخوانند. وقتی آموزش دیدند گفتند بروید در بخش پژوهشی و دست‌آوردهای تحقیقاتی خود را ارائه کنید. این جا دوباره آن دانشجو نیاز به آن سامانه پیدا می‌کند. از یک طرف باید بداند نیاز کنونی ما و جمهوری اسلامی چیست. از طرفی باید بداند چه داریم. از طرف دیگر باید ببیند دنیا چه دارد و چه می‌گوید. خیلی کار سختی است. وقتی آمدم ببینیم خودمان چه داریم و می‌خواهیم از خودمان بپرسیم ناگهان می‌بینیم همه داد و فریادها بلند می‌شود که دارید چه می‌کنید؟

شما می‌خواهید ببینید فارابی و خواجه نصیر و ملاصدرا چه گفته است و نظریات آنان چه

مشکلی که وجود دارد این است که ما هنوز آن قدر به لحاظ دانشی در فضای رسمی دانش پیشرفت نکرده‌ایم که کسی که می‌رود در کلاس بحث می‌کند و آموزش می‌بیند یا آن کسی که آموزش می‌دهد دانش لازم را برای بهره‌گیری از چنین سامانه‌ای را داشته باشد.

یک سامانه شایسته تقدیر و دریافت جایزه از سوی آن جامعه اطلاعاتی پیشنهاد شده است! اما الآن مشکل این است که وقتی این را به کسی که مثلاً در عرصه فقه کار تخصصی و اجتهادی می‌کند عرضه می‌کنیم می‌گوید چرا معنای این اصطلاحات را جلوی چشم نوشته‌اید؟ در صورتی که این

نقشه این دانش است و می‌خواهد بگوید هر بحثی کجا در نظام معرفتی این دانش قرار می‌گیرد. به تعبیر عامیانه می‌خواهد پدر و فرزند و نوه و نتیجه و نبیره و سلسله انساب را در آن حوزه دانشی مشخص کند. بعد این وصل می‌شود به یک سامانه فرهنگ‌نامه‌ای. آن متصل می‌شود به یک سامانه نمایه‌ای؛ یعنی بسته‌ای از دانش تولید شده که به هم دیگر سرویس می‌دهند و از یک‌دیگر پشتیبانی می‌کنند.

● معرفتی‌تر شدن پژوهش‌ها نتیجه چه اقداماتی بوده است؟

□ امام خمینی و رهبران دینی ما وارد عرصه سیاست شدند تا عرصه سیاست را معنوی و اخلاقی کنند و کاری کنند تا سیاست در خدمت مردم باشد و جلوی ظلم و فساد و طغیان‌گری و استبداد و دیکتاتوری را بگیرند. از این رو کارگزاران خواستند برای سیاست‌گذاری بدانند سنت سیاسی پیامبر اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه بوده است.

به کار امروز می‌آید. آن‌گاه باید دید با جهانی شدن چه باید کرد؛ با انتخابات چه باید کرد؛ با احزاب چه باید کرد؛ مسئله مشروعیت و مردم‌سالاری چه می‌شود؛ با کدام مبانی این مسائل را می‌توان حل کرد؟ مسئله گردآوری نیست. مسئله تولید معرفت است. اجتهاد است. با چه روشی اجتهاد می‌کنید؟ شما یک تاریخ اندیشه سیاسی دارید. با تاریخ اندیشه سیاسی که نمی‌شود اجتهاد کرد. ما بیاییم الآن اجتهاد کنیم. به لحاظ فقهی اجتهاد کنیم. علوم سیاسی موجود یک مبانی فلسفی و انسان‌شناسی دارد. مبانی فلسفی شما کدام است؟ اصلاً تعریف شما از انسان‌شناسی چیست؟ شما با چه حسابی از مردم‌سالاری دفاع می‌کنید؟ با چه حسابی از آزادی دفاع می‌کنید؟

شهید مطهری بحث زیبایی دارد، می‌گوید لیبرال‌ها از آزادی مذهبی دفاع می‌کنند به این خاطر که یک امر سلیقه‌ای است، مثل آزادی غذا خوردن. برای دولت اهمیتی ندارد که شما چه غذایی می‌خواهید بخورید. به شما در عرصه غذا خوردن آزادی داده می‌شود. همین‌طور در عرصه نوشیدن و مسکن. یکی هم این است که چه اعتقاداتی دارید. هر اعتقاداتی می‌خواهید داشته باشید. این آزادی را به شما می‌دهد؛ چون اصلاً برایش مهم نیست و آن را امری سلیقه‌ای می‌داند. می‌گوید بگذار هرکس هر اعتقادی می‌خواهد داشته باشد. اما این که ما در اسلام می‌گوییم آزادی عقیده و آزادی مذهبی داریم، به این

خاطر نیست؛ به خاطر سلیقه‌ای بودن نیست. اتفاقاً از نظر ما مسئله اعتقادات خیلی مهم است ولی نمی‌شود اجباری‌اش کرد. مذهب و اعتقاد اجباری اصلاً ارزشی ندارد. «لا اکراه فی الدین». شما باید این‌جا تحقیق و بررسی کنید و با بررسی و مطالعه برسید به پایگاهی اعتقادی و فکری. پس ببینید ممکن است هر دو یک چیز بگویند ولی مبنایش فرق می‌کند. مذهبی‌ها می‌گویند ما مشروطه می‌خواهیم، غیرمذهبی‌ها هم می‌گویند ما مشروطه می‌خواهیم. وقتی انقلاب مشروطه پیروز می‌شود، حالا سر این که مشروطه چیست، دعوا می‌شود. مذهبی‌ها می‌گویند استقلال آزادی جمهوری اسلامی. غیرمذهبی‌ها هم همین را می‌گویند. حالا انقلاب پیروز شده است، دعوا می‌شود که آزادی اصلاً یعنی چه. استقلال یعنی چه، جمهوری یعنی چه. خود امام تفسیر سوره حمد را شروع می‌کند، خود مذهبی‌ها به او می‌گویند تعطیل می‌کنی یا بیاییم تعطیل کنیم. می‌گوید تعطیل می‌کنم. این‌طور شد و تفسیر سوره حمدش را دیگر ادامه نداد. با این که جواب هم داد. یعنی در جلسه آخر جواب آقایان را گفت ولی نمی‌پذیرند یک عده و می‌گویند اینها که شما می‌گویید مورد تأیید ما نیست، یعنی امام خمینی که رهبر انقلاب هم بود اجازه نداشت تفسیر خودش را از اسلام و قرآن ارائه دهد. بنابراین چنین می‌شود که لزوم پیدا می‌کند کمی بحث‌ها معرفتی‌تر شود. وارد این بحث می‌شوند که اصلاً باید مبانی فلسفی

سوی گروه مقابل تلاش شده یک پشتوانه فلسفی لیبرالیستی برای انقلاب اسلامی ارائه شود. از این رو، برخی از اندیشوران در دفتر تبلیغات درواریوی با این مواضع برای اولین بار گفتند که آیا انقلاب اسلامی می‌تواند با حکمت متعالیه ربط داشته باشد یا نه. برای پی بردن به این رابطه باید به رهبران انقلاب و خود امام خمینی مراجعه می‌کردیم. بررسی کردیم تا ببینیم امام خمینی در بحث انقلاب اسم حکمت متعالیه و ملاصدرا را آورده است یا نه. جالب بود که وقتی بررسی کردیم به یک مصاحبه از امام برخوردیم که حسنین هیکل با ایشان انجام داده بود. او سؤالی فوق‌العاده از امام خمینی می‌پرسد که غیر از قرآن و نهج البلاغه دیگر چه چیزهایی در شما تأثیر گذاشته است. این را در فرانسه از امام می‌پرسد. امام می‌گوید ما کتاب و عالم خیلی داریم اما عجالتاً در

یک عده برای انقلاب اسلامی پشتوانه فلسفی مارکسیستی ارائه کرده‌اند. مثل آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» به دنبال این است که اثبات کند پشتوانه فلسفی انقلاب ایران مارکسیسم است و حتی خود امام خمینی اصطلاحاتی مانند «مستضعفین» و «مستکبرین» و «کاخ نشینان» و «کوخ نشینان» را از مارکسیسم وام می‌گیرد و به کار می‌برد.

اتفاقاً از نظر ما مسئله اعتقادات خیلی مهم است ولی نمی‌شود اجباری‌اش کرد. مذهب و اعتقاد اجباری اصلاً ارزشی ندارد. «لااکراه فی‌الدین». شما باید این‌جا تحقیق و بررسی کنید و با بررسی و مطالعه برسید به پایگاهی اعتقادی و فکری.

داشته باشیم یا خیر، یعنی فقط طرح مباحث فقهی با رویکرد فقهی پاسخ‌گوی سؤالات و نیازهای ما نیست. فقط طرح مباحث فقهی با رویکرد مثلاً جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی پاسخ‌گوی نیاز ما نیست؛ ما باید رویکرد فلسفی خودمان را هم مشخص کنیم. همین جاست که این بحث مطرح می‌شود که اصلاً پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی چیست. بعد یک‌باره متوجه می‌شویم در این فضایی که اصلاً ما متوجه نبودیم، یک عده برای انقلاب اسلامی پشتوانه فلسفی مارکسیستی ارائه کرده‌اند. مثل آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» به دنبال این است که اثبات کند پشتوانه فلسفی انقلاب ایران مارکسیسم است و حتی خود امام خمینی اصطلاحاتی مانند «مستضعفین» و «مستکبرین» و «کاخ نشینان» و «کوخ نشینان» را از مارکسیسم وام می‌گیرد و به کار می‌برد. البته حرفش درست نیست، ولی بالاخره این کار را کرده است و این در دانشگاه‌های ما ترجمه شده و دارد تدریس می‌شود. یا از

اخبار کافی، در فقه جواهر و در فلسفه ملاصدرا، یعنی به فلسفه که می‌رسد اسم شخص را می‌آورد نه کتاب. از این کدها شروع کردیم به بررسی‌های بیشتر. بعد تعبیرات فلسفی امام چاپ شد. کتاب شرح جنود عقل و جهل امام چاپ شد. از این طرف هم با فلاسفه

موجود صحبت کردیم؛ آیه‌الله جوادی آملی، آیه‌الله انصاری شیرازی، آیه‌الله مصباح و آیه‌الله سبحانی. خود من در این پروژه‌ها حضور داشتم. رسیدیم به این ایده که ما می‌توانیم از یک پارادایم جدیدی در عرصه علوم سیاسی به لحاظ معرفتی صحبت کنیم و همین‌طور از یک پارادایم جدید در عرصه علوم انسانی. چون این یک بسته است. بسته این‌طور نیست که فقط در یک گزاره خودش را نشان دهد. همان‌طور که در غرب هم علوم سیاسی‌های مختلف داریم؛ از علوم سیاسی مارکسیستی تا علوم سیاسی لیبرالیستی. در آن جا فرانکفورتی‌ها ادبیاتی در حوزه علوم سیاسی دارند و علوم سیاسی تولید کرده‌اند و جامعه‌گرایان ادبیاتی دیگر برای خودشان تولید کرده‌اند. حالا گاهی دانشگاه به دانشگاه می‌بینید این مکاتب فرق می‌کند و گاهی در یک دانشگاه چند مکتب حضور دارد. در جامعه‌شناسی هم همین‌طور است. جامعه‌شناسی مارکسیستی با ادبیاتی خیلی گسترده وجود دارد که محوریتش با

اصلاً امام خمینی گفتمانش یک چیز دیگر است و یک‌طور دیگر دارد نگاه می‌کند. از نظر ایشان چنین گسست و انقطاع تاریخی و شکافی وجود ندارد و گرنه بازگشت به اسلام معنا نداشت.

دیدگاه‌ها و آرای مارکس است. جامعه‌شناسی سرمایه‌داری هم دارید که محور کارش مثلاً بر اساس آرای ماکس وبر و دیگران است. ما می‌گوییم که می‌توانیم یک علوم سیاسی و علوم انسانی داشته باشیم که از آن تعبیر کردیم به عنوان متعالیه.

● **حوزه:** قبل از این، یک مسئله دیگر را هم حل کرده بودید. مثلاً تداوم و گسستی که رابطه شما را با گذشته اتصال می‌داد و بعضی معتقد بودند اصلاً گسستی اتفاق نیفتاده بود.

□ یکی از کارهایی که این مبنای فلسفی می‌کند همین است. یعنی ما در بحث سنت و مدرنیته باید تکلیف خودمان را حل می‌کردیم. اگر شما قائل به گسست شدید داستان جور دیگری می‌شود. باز در اینجا بهترین نمونه، امام و رهبری بودند. وقتی آثار و آرای امام را می‌بینید، آن‌طور که کلیم صدیقی هم گزارش خیلی خوبی داده، می‌گوید گویا جهانی به نام سنت و جهانی به نام مدرنیسم وجود ندارد. اصلاً امام خمینی گفتمانش یک چیز دیگر است و یک‌طور دیگر دارد نگاه می‌کند. از نظر ایشان چنین گسست و انقطاع تاریخی و شکافی وجود ندارد و گرنه بازگشت به اسلام معنا نداشت.

● **حوزه:** فکر می‌کنید توجه رهبری به دفتر تبلیغات حوزه به دلیل همین تکاپوها بوده است؟

هستیم که دین را می‌توانند تصور کنند و دنیای امروز و اقتضائاتش را هم می‌توانند تصور کنند و اجمالاً هم متوجه شده‌اند که برخی از مسائل را به این آسانی نمی‌توان حل کرد و این یک نظام معرفتی می‌خواهد و یک بسته دانشی باید تولید شود. این‌گونه هم نیست که شما بگویید من تولید کرده‌ام و طرف مقابل هم بگوید چشم ما استفاده می‌کنیم. می‌گوید بیا عرضه کن ببینم چه می‌گویی. با شما وارد گفت‌وگو می‌شوید و سخن شما را نقد می‌کند. یعنی شما باید در معرض نقد قرار بگیرید. هم باید حوصله شنیدن حرف طرف مقابل را داشته باشید و هم اگر فهمیدید اشتباه کرده‌اید و حرفتان هنوز خام است، آمادگی پذیرش اشتباه را داشته باشید. طبیعی است که وقتی ایده‌ای را مطرح می‌کنید، خام باشد. این که مورد نقد و گفت‌وگو قرار می‌گیرد، آن حفره‌هایش بهتر خودش را نشان می‌دهد. بر این اساس



بر این اساس بود که ما در کرسی‌های پژوهشگاه مباحث علمی را شاید جدی‌تر از هرکجای ایران گرفته‌ایم. آمارها هم این را نشان می‌دهد و سال‌های قبل این‌طور بود و امسال به‌طور رسمی به‌عنوان مجموعه‌ای که در حوزه برگزاری کرسی‌ها مقام اول را در کشور دارد لوح تقدیر گرفتیم.



□ به نظر من بخشی از آن توجه برمی‌گردد به این تکاپوها که دفتر تبلیغات در این چهل سال داشته که می‌خواسته مرتب خود را در معرض این نیازهای دینی و معرفتی جدید قرار دهد و تلاش کند پاسخ دهد. وانگهی این تلاش‌ها هم چنان مستقر نشده است. ما الآن مثلاً مسئله علوم سیاسی را به لحاظ معرفتی حل کرده‌ایم؟ نه. اساساً در زمانی که این کوتاهی نمی‌توان مسائل کلان را حل کرد، اما همین که ما فهمیدیم چنین مسئله‌ای وجود دارد، به نظر من خیلی کار بزرگی است؛ همین که حوزه علمیه قم در بخشی از وجود خودش توانسته نیروهایی را تربیت کند که این نیروها توانسته‌اند مسئله را تصور کنند. چون ما بخشی از حوزه را داریم که هنوز به این تصور نرسیده‌اند، یعنی فکر می‌کنند می‌شود با همان نظام معرفتی صد تا دویست سال پیش مسئله الآن را جواب داد. فکر می‌کنند مشکل فقط در این است که شما از ما اصلاً سؤال نکرده‌اید. اگر دولت از ما سؤال کند، ما جواب می‌دهیم. آقای مشکینی می‌فرمود که ما حواسمان به سؤال نیست. شما سؤال نکنید از ما، ما جواب می‌دهیم سؤال را. گفتیم که بانک‌داری چه حکمی دارد؟ می‌گوید ربا حرام است و بانک‌داری ربوی هم حرام است. تمام شد دیگر. در حالی که مسئله این‌طور نیست. لذا اصرار می‌کنیم که متون آموزشی ما باید همان متونی باشد که قبل از انقلاب تدریس می‌شده است. ما این‌جا با روحانیانی روبه‌رو

بود که ما در کرسی‌های پژوهشگاه مباحث علمی را شاید جدی‌تر از هرکجای ایران گرفته‌ایم. آمارها هم این را نشان می‌دهد و سال‌های قبل این‌طور بود و امسال به‌طور رسمی به‌عنوان مجموعه‌ای که در حوزه برگزاری کرسی‌ها مقام اول را در کشور دارد لوح تقدیر گرفتیم.

● **حوزه:** ابتدای این گفت‌وگو پژوهش را پاسخ‌گو به دو ساحت عینی و انتزاعی فرض کردیم و مدعی شدیم پژوهش‌ها در دفتر تبلیغات برای حل معضلات ساحت عینی سامان گرفته است. بعد در ادامه گفت‌وگو به ضرورت کار انتزاعی رسیدیم و انگار از ضرورت

پاسخ‌گویی به آن نیازهای عینی فاصله گرفتیم؟

□ مصاحبه شما برای این است که ببینید چرا رهبری درباره دفتر این کلیدواژه را به کار می‌برند. مگر دفتر چه می‌کند. دفتر در دوره‌هایی حرکت‌های انتحاری کرده است و در دوره‌هایی کنترلش کرده‌اند، یعنی همان‌ها که امام خمینی را کنترل کردند و

نگذاشتند حرفش را ادامه دهد، همان‌ها هم دفتر تبلیغات را در دوره‌هایی پنجر کردند. مثلاً چند طلبه می‌گویند ما می‌خواهیم رأی شیخ انصاری را نقد کنیم، شما یک سالن به ما بدهید. ما سالن می‌دهیم. بعد برخی آقایان می‌گویند این را تعطیل کنید و نباید

به این‌ها سالن بدهید؛ چون دارند رأی شیخ انصاری را نقد می‌کنند. خوب نقد کنند، شما هم بروید جوابشان را بدهید. می‌گویند این‌ها دارند اصول فقه را نقد می‌کنند. مگر علم اصول چیست؟ یعنی شما در جایی دارید زندگی علمی می‌کنید که کسانی برای خودشان این حق را قائل هستند که به شما بگویند در این حوزه‌ها وارد نشوید و این فکر را نقد نکنید! شما جایی هستید که هرکسی به خودش اجازه می‌دهد در هر حوزه‌ای وارد شود. فقط در علوم سیاسی ببینید چه کسانی وارد شده‌اند. تحقیق بکنید ببینید این اساتیدی که فقه حکومتی و فقه سیاسی می‌گویند چند درصدشان به

علوم سیاسی هم آگاهی دارند؟ بنابراین ما به نتیجه رسیدیم ابتدا باید نظام معرفتی خود را بازبینی کنیم. این مثل آن می‌ماند که شما در یک سیستم مکانیکی اتومبیلی را که پنجاه سال پیش تولید شده بگویید سرعتش را می‌خواهم زیاد کنم. بعد بروید یک قطعه‌اش را عوض کنید. این نمی‌شود.

شما باید کل سیستم موتور را ارتقا دهید. تازه سیستم موتور را ارتقا می‌دهید می‌بینید این سیستم موتور به این اتاق نمی‌خورد. امام خمینی دستگاه و پارادایم را تغییر داده است. آن دستگاه را وقتی تغییر می‌دهد، به بحث ولایت فقیه که می‌رسد، می‌گوید تصورش

● امام خمینی دستگاه و پارادایم را تغییر داده است. آن دستگاه را وقتی تغییر می‌دهد، به بحث ولایت فقیه که می‌رسد، می‌گوید تصورش باعث تصدیقش است و بدیهی است. آن پارادایم اگر درست مورد بازنگری قرار نگیرد، شما نمی‌توانید سؤالات را جواب دهید.

را در آوردند و با آن‌ها برخورد می‌کنند. چون پزشکی در کشور متولی دارد ولی علوم اسلامی در ایران متولی ندارد. در جهان هم ندارد. نباید یک جایی متولی این شود؟ الآن در علوم اسلامی چه تولید می‌شود؟ کسی نمی‌داند. برای علوم اسلامی یک پایگاه استنادی نداریم که جهانیان بدانند که اگر دنبال مباحث اسلامی هستند، اگر چیزی در فلان پایگاه نمایه شده این خوب است. این چیزهایی را که به شما می‌گویم مکتوب به حوزه پیشنهاد کرده‌ام. آقای اعرافی هم پی‌گیر هستند. به خصوص در بحث علوم اسلامی گفتند یک شورای عالی علوم اسلامی ایجاد می‌کنیم که اختیارات داشته باشد. من هم اعلام آمادگی کردم که پژوهشگاه توانایی مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی زیرساخت این کار را دارد.

باعث تصدیقش است و بدیهی است. آن پارادایم اگر درست مورد بازنگری قرار نگیرد، شما نمی‌توانید سؤالات را جواب دهید. از لاکاتوش اگر استفاده کنیم، در برنامه‌های پژوهشی ما مدام داریم رفو می‌کنیم از جایی باید این پارادایم را بازسازی کنیم. ما نمی‌توانیم به حکمت و علوم انسانی و علوم اسلامی بی‌توجه باشیم. الآن علوم اسلامی در ایران متولی ندارد. دانشگاه‌های ما در هر دوره‌دهاتی مبانی فقه و حقوق راه انداخته‌اند و دکتری تفسیر و علوم قرآن و دکتری عرفان اسلامی می‌دهند. این‌ها سرفصل‌هایش در کجا تصویب شده و کجا ممیزی می‌شود؟ الآن حوزه علمیه ما حتی بر علوم اسلامی در ایران اشراف ندارد. ولی شما دو واحد مسائل پزشکی نمی‌توانید در این کشور غیر از وزارت کشور تصویب کنید. پدر این طب سنتی‌ها